



## فراروی از عقلانیت ابزاری به مثابه‌ی راهکاری برای بهبود تعاملات اخلاقی در محیط

### دانشگاه

غلامعلی سلیمانی<sup>۱</sup>

### چکیده

به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر در فضای دانشگاه شاهد شکل‌گیری عقلانیتی هستیم که سطوح مختلف تعاملات میان مجموعه‌ی دانشگاهیان را تحت تأثیر قرار داده است. عقلانیت ابزاری یا آنچه از آن با عنوان بازیگر خردمند یا انتخاب عقلانی یاد می‌شود، بر قرائتی اقتصادی از انسان استوار است. در این تلقی، عقلانیت چیزی جز محاسبه‌ی سود شخصی نیست. در این تلقی انسان‌ها فقط در پی بیشتر کردن سود شخصی خویش هستند که یعنی بیشینه‌کردن درآمد، کمینه‌کردن کار و زحمت، بیشینه‌کردن فراغت و راحتی و امثال آن. نوع دیگری از این رفتار، موضوع سواری رایگان یا مجانی<sup>۲</sup> است که در آن برخلاف همکاری، نوعی روند مسئولیت‌ناپذیری حاکم است و فرد به بهره‌برداری از حاصل دسترس و زحمت دیگران می‌پردازد، بدون اینکه هزینه‌ی لازم در معنای صرف وقت، تعهد، مسئولیت و انرژی را انجام داده باشد. هدف این پژوهش، تأملی انتقادی از این منظر به محیط دانشگاهی است تا امکانی برای بهبود چنین عقلانیتی فراهم شود.

**کلیدواژه‌ها:** عقلانیت ابزاری، دانشگاه، اخلاق، عقلانیت موسع

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، رایانامه:

[Soleimani1359@ut.ac.ir](mailto:Soleimani1359@ut.ac.ir)

<sup>۲</sup> Free-Riding

## مقدمه

عقل یا عقلانیت نیرویی است که با استفاده از آن جهان و قوانین و پیچیدگی‌های هستی برای ما معنا پیدا می‌کند. عقلانیت، اصطلاحی با معانی متفاوت و لایه‌های زیاد است. یکی از محققان از انواع عقلانیت یا عقل؛ عقل ابزاری، عقل متافیزیکی، عقل عملی، عقل نظری، عقل مفهومی، عقل شهودی، عقل قدسی، عقل عرفی، عقل کلی، عقل جزئی، عقل تجربی، عقل بالقوه، عقل بالملکه، عقل بالفعل، عقل مستفاد، عقل فعال، عقل اول و عقول طولی و عرضی یاد کرده است. از همین رو می‌توان گفت هر جامعه، بسته به اینکه از کدام بعد و لایه‌ی آن بهره‌مند شود، فرهنگ و تمدنی خاص پیدا می‌کند (پارسانیا، ۱۳۸۱). به همین سیاق می‌توان استدلال کرد که در هر مجموعه یا سازمانی بسته به اینکه چه شقی از عقلانیت رواج پیدا کند، می‌تواند آثار و نتایجی از خود بر جای گذاشته و در جهت‌گیری کلی و اهداف آن تأثیرگذار باشد. در میان شقوق و گونه‌های مختلف عقلانیت، در سال‌های اخیر در فضای دانشگاه شاهد رواج روزافزون عقلانیت ابزاری هستیم. گونه‌ای از عقلانیت که تکیه‌گاه و جهت‌گیری اصلی آن بر محاسبات مبتنی بر سود و زیان مادی استوار است. در این نوع از عقلانیت، همه‌چیز از عینک میزان فایده‌ی مترتب بر آن نگریسته می‌شود و عملی عقلانی شمرده می‌شود که بیشترین سود و کمترین هزینه را به همراه داشته باشد. در نسبت میان سود و هزینه، این نوع عقلانیت بر بیشینه‌سازی سود و کمینه‌سازی هزینه در معنای صرف وقت و زمان و انرژی استوار است. رواج این نوع عقلانیت، دانشگاه را که یک موسسه‌ی علمی - خدماتی است و هدف و رسالت آن بر عهده داشتن کارکردهایی همچون تولید دانش (پژوهش)، انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر (آموزش)، نشر و اشاعه‌ی دانش از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص برای ارائه‌ی خدمات متنوع در جامعه، تحقق جامعه‌پذیری جوانان برای عبور از فردیت و رسیدن به حیات جمعی، مدیریت دانش و پژوهش با عنایت به نیاز روزافزون جامعه (یمنی، ۱۳۸۸، ۴) است را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از طرف دیگر دانشگاه را به یک بنگاه و مجموعه اقتصادی صرف تبدیل می‌کند که تعاملات درون‌سازمانی آن بیشتر بر مبنای مناسبات میان بنگاه‌های اقتصادی خواهد بود. رفتاری که به نوعی بازتولید مناسبات حاکم بر انسان اقتصادی است. قرائتی از انسان که وجه اقتصادی آن پررنگ‌تر از سایر وجوه است. این پژوهش با نظری انتقادی بر رواج این نوع از عقلانیت قصد دارد

تا پیش از فراگیر شدن، امکانی برای گفتگو در باب این موضوع گشوده شود تا بتوان از تسری آن جلوگیری کرده و به اصلاح آن همت گماشت. در این راستا، این مقاله ابتدا به بحث در باب عقلانیت ابزاری به‌عنوان کنش حاکم بر انسان اقتصادی خواهد پرداخت و در ادامه، نتایج انعکاس این رفتار در فضای دانشگاه را بررسی و راه‌های برون‌رفت از آن را اشاره خواهد کرد.

### انسان اقتصادی و عقلانیت ابزاری

برای سال‌های متمادی مدل بازیگر خردمند یا مدل عقلانی که با تعبیر دیگری چون عقلانیت ابزاری، بازیگر خردمند، اختیار عاقلانه و انتخاب عقلانی یاد می‌شد، به نحوی قابل توجهی مدعی توضیح، تبیین و تجویز الگوهای رفتاری میان انسان‌ها بود. مدلی که معتقد بود نه تنها در مواجهه با طبیعت و یا آنچه در دایره‌ی عقلانیت پارامتریک قرار می‌گیرد کاربرد دارد، بلکه در وجهی دیگر گویای تعامل میان بازیگران و کنشگران دیگری نیز هست که آن‌ها نیز از قوه اختیار برخوردار بوده و کنش‌های خود را بر مبنای محاسبات عقلانی سامان می‌دهند و به عبارتی وجه استراتژیک دارد. سرچشمه‌ی آنچه به‌عنوان عقلانیت ابزاری به شکل منسجم ارائه شده است، به آرای وبر از انواع کنش برمی‌گردد. او ضمن تفاوت گذاری میان کنش و رفتار از چهار نوع کنش بحث می‌کند و میان چهار کنش یا عقلانیت معطوف به هدف، معطوف به ارزش یا ارزش‌مدار، عاطفی و سنتی تفاوت قائل است. از نظر او در کنش عقلانی معطوف به هدف هر کنشگری وقتی یک اهدافی از آن کنش دارد و ابزارها و وسایلی موردنظر را نیز فراهم کند، او یک کنش عقلانی معطوف به هدف انجام داده است (آبراهامز، ۱۳۶۳). این نوع عقلانیت وجه اخلاقی و فلسفی ندارد. چراکه دستیابی به هدف از هر ابزار ممکن موردتوجه قرار گرفته است. برای مثال ایالات‌متحده آمریکا هدف را تسلیم ژاپن در جنگ جهانی دوم قرار داده است و برای رسیدن به آن دست به بمباران هیروشیما و ناکازاکی می‌زند. وبر تعبیر متعددی از عقلانیت رسمی ابزاری ارائه داده است.

۱. آگاهی کنشگر از هدف و یا تمایل آگاهانه کنشگر برای دستیابی به هدف، عملی عقلانی تلقی شده است.

۲. در صورتی عمل عقلانی است که بیشترین بهره و سود و یا دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب موردنظر باشد. در دنیایی که عقلانیت بوروکراتیک بیشتر شود، عقلانیت ذاتی کمتر می‌شود و مردم کنترل نیروهایی که زندگی‌شان را شکل می‌دهد، از دست می‌دهند. در این معنی دو حالت ذهنی و عینی موردنظر است.

الف. حالت ذهنی: عمل عقلانی موردنظر است که تنها اعتقاد به سود و زیان موردنظر باشد.

ب. حالت عینی: که در عمل، محاسبه و حسابگری بیشترین سوددهی وجود داشته باشد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۵، ۴۵). بنابراین عقلانیت ابزاری موردنظر و بر، عبارت از محاسبه‌ی هدفمند ابزار خیلی کارا و مؤثر برای دستیابی به هدف است. به عبارت دیگر، در این عقلانیت عمل را با سلطه‌ی قواعد عقلانی و علمی محاسبه پذیر جهت داده‌اند که به معنی کارکرد مستمر و طولانی با بیشترین مقدار سوددهی است. به بیان دیگر، عقلانیت ابزاری یعنی کارایی ابزار و انتخاب آن بر اساس جریان فکری بهتر با دور کردن عناصر مذهبی، اخلاقی و فرهنگی (کریمی مله، ۱۳۷۷، ۴۰). در تعاریفی که از انسان اقتصادی مطرح شده، عقلانیت ابزاری یا بیشینه ساز یکی از ویژگی‌های این الگوی انتزاعی معرفی شده است. نوع آرمانی، عبارت است از مفهومی که مشخصاً برای رفتار انسان و آثار رفتار انسانی مناسب است. اقتصاددانان برای بیان رفتارهای اقتصادی، نوع آرمانی به نام انسان اقتصادی طرح کرده‌اند. در میان برداشت‌های متفاوتی از انسان، در معنای انتزاعی و آرمانی سخن از انسان اقتصادی نیز می‌توان طرح کرد. نوع آرمانی نشانگر الگویی به دست آمده از انتزاعات ذهنی است، برآمده از منشأ خارجی است و جنبه عینی و ملموس دارد. در انسان اقتصادی الگوی عقلانی به‌طور کلی انسان بازیگری؛ خردمند، منفعت‌جو، خودپرست، بهینه خواه محاسبه‌گر و هدف محور است. چنین تلقی از ماهیت انسان ریشه در حضور بسیار پررنگ اقتصاددانان در نظریه‌های تصمیم‌گیری دارد. به باور هیوود به‌طور کلی الگوهای تصمیم‌گیری که بر عقلانیت انسان تأکید دارند، از نظریه‌های اقتصادی ناشی شده‌اند که خود آن‌ها از فایده‌گرایی برآمده‌اند و باور به آنچه اصطلاحاً انسان اقتصادی خوانده می‌شود، در کانون این نظریه‌ها قرار دارد. باور مذکور الگویی از ماهیت بشر است که به پیگیری منفعت طلبانه رضایت مادی تأکید می‌کند (هیوود، ۱۳۸۹، ۵۷۲). تو ضیح پدیده‌های سیاسی بر اساس چنین رویکرد و تلقی از انسان

سابقه دیرینه‌ای دارد که به اقتصاد رفاه، لیبرالیسم و فایده‌گرایی قرن نوزدهم و آثار اقتصاد سیاسی دانان کلاسیک مانند آدام اسمیت و نوین‌سنگانی چون جان لاک و توماس هابز باز می‌گردد (مارش و استوکر، ۱۳۸۷، ۱۳۲). این نظریه اصل سودمندی و اصالت نفع شخصی را مبنای کنش و رفتار انسان‌ها می‌داند. بر این اساس نظریه، انتخاب عقلانی درحالی‌که پیچیدگی انگیزه‌ی انسانی را تشخیص می‌دهد، چنین تصور می‌کند که افراد به دنبال منافع شخصی خود هستند و مفهوم منفعت شخصی دارای کشش بالقوه‌ی زیاد است (همان: ۱۳۴). از نظر اقتصاددانان کلاسیک تحقیق درباره روابط اقتصادی، فقط باید از جنبه‌ای صورت گیرد که در افراد انسانی، کلی و مشترک باشد و انسان را از همه صفات و عوارض دیگر غیر از نفع شخصی تجرید کند. ویژگی اساسی این نگرش این است که انسان‌ها وقتی به‌طور طبیعی در جستجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر هستند، منطقی محاسبه‌ی عقلانی این است که با کمترین هزینه، حداکثر رضایت‌مندی خاطر انسان فراهم شود. در این استدلال، فرض اساسی نئوکلاسیک‌ها مبنی بر آن که نفع مادی شخصی یگانه محرک و انگیزه برای فعالیت‌های انسان است، پنهان است (تفضلی، ۱۳۷۵، ۲۱۷). این منظر انسان‌شناختی حتی نیات هم‌نوع خواهانه و خیرخواهانه را نیز از منظر نفع شخصی تحلیل می‌کند. اسمیت به تبعیت از فیزیوکرات‌ها انگیزه‌ی خودخواهی و نفع شخصی را قاعده عام و جهان‌شمولی می‌داند که بر تمام رفتارهای اقتصادی انسان حاکم است. او می‌گوید: کسی که برای نجات دیگری از خطر غرق شدن خود را در همان خطر می‌اندازد، نه به خاطر آن است که در ذهن او دفاع از جان دیگران، اصلی اخلاقی مطلق است، بلکه مثلاً بدین دلیل است که می‌ترسد در غیر این صورت به بزدلی یا عدم همدردی با هم‌نوع متهم گردد، شاید هم گمان می‌کند از این راه سود مستقیمی عاید او می‌شود یا آن‌که فردی که در خطر غرق شدن است، در فرصت دیگری خدمتی مشابه برای او انجام خواهد داد (جونر، ۱۳۶۲، ۲۷۸). مراد از این نوع عقلانیت در فضای دانشگاهی به‌طور کلی با مفهوم صنعت دانش متفاوت است. صنعت دانش، ناظر بر تغییر در جهت‌گیری تولید دانش از یک امر فرهنگی صرف یا یک مقوله‌ی معرفت‌شناختی و به‌مثابه‌ی دستاورد ذهنی دیده نمی‌شود بلکه با منطق غالب اقتصادی و قواعد بازار مورد توجه قرار می‌گیرد (فراستخواه، ۱۳۸۹، ۲۰۵). بر این اساس، دانشگاه به‌مثابه‌ی بازاری است که در

آن عاملان و ذی‌نفعان مختلفی از جمله تولیدکنندگان دانش، انتقال‌دهندگان دانش، تبدیل‌کنندگان دانش و مشتریان و مصرف‌کنندگان دانش در بازار دانش عمل می‌کنند. کالایی شدن، تجاری شدن، شرکتی شدن دانش، رقابتی شدن دانش، فراگیر شدن دانش، استاندارد شدن دانش و جهانی و بین‌المللی شدن دانش از جمله ویژگی‌های این نوع از دانش است (قانع‌ی راد و هم‌کاران، ۱۳۹۲، ۴۴-۴۶). اگر چه این نوع تغییر تحول در ماهیت دانشگاه‌ها خود می‌تواند آسیب‌های زیادی را در پی داشته باشد از جمله اینکه دانشگاه و محیط علمی را تحت تأثیر فضای بازار قرار داده و دانشگاه انعکاسی از بازار و مکانیسم آن دیده شود اما آنچه بی‌شتر مدنظر و توجه عقلانیت حاکم بر مجموعه دانشگاهیان است، نه ارتباط میان دانشگاه و محیط بیرون از دانشگاه. رواج عقلانیت ابزاری در میان دانشگاهیان در حوزه‌های مختلفی از جمله در روابط میان اساتید به‌ویژه اساتید قدیمی و رسمی و اساتید جوان و پیمانی، میان اساتید و دانشجویان و میان اساتید با نشریات و مجلات پژوهشی خود را نشان می‌دهد. این روابط نه مبتنی بر روابط و اخلاق حرفه‌ای بلکه گونه‌ای از دادوستد و بهره‌کشی است. برای مثال می‌توان این نوع روابط را در نسبت میان اساتید و دانشجویان دید. در بسیاری مواقع مشاهده می‌شود که اساتید بدون کمترین زحمتی اسم خود را به‌عنوان نویسنده‌ی اول در مقالاتی که محصول علمی دانشجویان است می‌نویسند. در تعریف، نویسنده‌ی مقاله معمولاً به کسی گفته می‌شود که از طریق طرح ایده، تهیه‌ی پیش‌نویس و چارچوب طرح، همراهی در تمام مراحل نوشتن اثر تا مرحله‌ی نهایی و پذیرش مسئولیت علمی اثر، سهم اساسی در پژوهش دارد. چند سالی است که البته مقالات و یادداشت‌های درباره‌ی اصلاح این رویه در رابطه‌ی میان اساتید و دانشجویان نوشته شده است اما هنوز به یک گفتمان رسمی و پذیرفته‌شده در فضای دانشگاه تبدیل نشده است.

## نتایج

بی‌آنکه قصد ارائه‌ی قاعده کلی داشته باشیم و وجود چینی عقلانیتی را به تمام محیط دانشگاه تسری دهیم، یکی از آفت‌ها و آسیب‌های اخلاقی در فضای دانشگاهی، مشاهده‌ی زمینه‌های رواج چنین روحیه و عقلانیتی است. روحیه‌ای که در تعاملات مختلف دانشگاهی در بین اساتید، بین اساتید با دانشجویان، اساتید با مجلات و نشریات علمی و همچنین در

تدوین رساله‌ها و طرح‌های پژوهشی دانشجویان دیده می‌شود. فارغ از زمینه‌های ایجاد چنین روحیه و عقلانیتی - که خود البته مجال مستوفایی می‌طلبد- واقعیت این است که چنین عقلانیتی نوعی عقلانیت کم‌مایه و عاری از وجوه هنجاری و اخلاقی است و فضا و محیط دانشگاه را به سمت رفتارهای مبتنی بر مفروضات انسان اقتصادی و مکتب سودگرایی سوق می‌دهد. لازم به اشاره است که این روحیه و عقلانیت با آنچه ارتباط صنعت و دانشگاه و یا ارتباط دانشگاه با جامعه گفته می‌شود، از اساس متفاوت است. تا حدود زیادی می‌توان استنباط کرد که دانشگاه مجموعه‌ای جدا از جامعه نیست و متأثر از فضای جامعه هست. از این جهت می‌توان گفت بخش زیادی از دلایل رواج این نوع از عقلانیت متأثر از متغیرهای برون دانشگاهی است؛ اما واقعیت این است می‌بایست ارزش‌های اخلاقی و ارزشی در دانشگاه را با حساسیت بیشتری حفظ کرد و در برابر آنچه ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و ارزشی دانشگاه را خدشه‌دار می‌سازد، مواظبت کرد. این امر می‌بایست با پیگیری دو دسته از سازوکارها به صورت توأمان در دستور کار قرار گیرد. سازوکارهای برون‌سازمانی که تا حدودی دغدغه‌ی معاش و معیشت مجموعه دانشگاهیان را به میزان زیادی حل کند و از طرف دیگر سازوکارهای درون‌سازمانی از طریق اصلاح رویه‌ها و دستورالعمل‌های آموزشی و پژوهشی که نگاه کمی به ارتقا و طی مدارج علمی دارند. آنچه به نام عقلانیت ابزاری برآمده از انسان اقتصادی در فضای دانشگاه کم‌وبیش شاهد آن هستیم از یک جهت به معنای نادیده گرفتن ارزش‌های انسانی است. رابرت ایلس تامسون در وصف انسان اقتصادی می‌گوید: او یک ماشین آزمند و طماع است که تنها با انگیزه‌های آز و تمایل به توسعه و گسترش تحریک می‌شود (هادوی نیا، ۱۳۸۲). عقلانیت ابزاری با توجه به تفسیر کم‌مایه و مضیق از عقلانیت انسان به معنای خلاصه کردن انگیزه‌های انسان در منفعت مادی موردانتقاد فیلسوفانی که از منظر اخلاقی به تبیین انگیزه‌ها و کنش‌های انسانی می‌نگرند، موسوم به فیلسوفان اخلاقی قرار گرفته است. غلبه این نوع عقلانیت در فضای دانشگاه باعث رواج مناسبات غیراخلاقی شده است. آنچه فیلسوفان اخلاق در این زمینه پیشنهاد می‌کنند، شاید در این زمینه بتواند راهگشا باشد. از نظر آن‌ها چنین رهیافتی به عقلانیت در درجه‌ی نخست با ذات و ماهیت انسان و یا به تعبیر اسلامی با فطرت بشری ناسازگار است، چراکه از غریزه‌ی منفعت طلبانه

و گزینه زیاده‌طلبی انسانی نشأت می‌گیرد و نه از عقلانیت راهجو و یا روحیه‌ی معنوی او و مسائلی چون آرمان‌ها، اراده و انگیزش‌های منحصر به فرد انسانی در این نوع روحیه و عقلانیت جایی ندارد (سیف زاده، ۱۳۸۴، ۳۵۹). از نظر آن‌ها دایره‌ی عقلانیت بسیار فراتر از نگاه ابزاری است و چاره‌ی کار حرکت به سمت حاکمیت چنین عقلانیتی است. تامس نیگل<sup>۱</sup> با ادله‌ی فراوان ثابت می‌کند نوع‌دوستی از مقتضیات عقلانیت است (لیتل، ۱۳۸۸، ۹۹-۱۰۱) یا تلاش جان رالز برای گنجاندن مفهوم انصاف<sup>۲</sup> در تصمیم‌گیری سنجیده، نوعی تلاش برای برون‌رفت از پیامدهای عقلانیت مضیق و کم‌مایه است (رالز، ۱۳۸۳). آمارتیا سن<sup>۳</sup> در نقد چنین نگاهی به انسان معتقد است انسان اقتصادی خالص، هالویی اجتماعی بیش نیست. با چنین تلقی کم‌مایه از عقلانیت، بسیاری از رفتارهای واقعی آدمیان را نمی‌توان بر حسب انگیزه‌ی بیشینه کردن فایده تبیین نمود و آمارتیا سن بر آن است که به جای عقل سودجو و بیشینه‌طلب، مفهوم وسیع‌تری از عقل عملی را پیشنهاد کند که تعهدات، دلایل غیر سودجویانه و اصول اخلاقی از جمله انصاف و حق‌شناسی و غمخواری را نیز در برگیرد. وی عقلانیت را بسی پیچیده‌تر از آن می‌داند که مدل ساده بیشینه کردن فایده افاده می‌کند و اصول اخلاقی و پابندی به تعهدات را از ارکان عمده و ویژه‌ی آن برمی‌شمارد (لیتل، ۱۳۸۸، ۹۹-۱۰۱). چنین تلقی از انسان به اعتقاد لیتل در تجرید خصایص فرهنگی رفتار آدمی افراط کرده است و لذا از رفتار واقعی اجتماعی انسان به دور افتاده است. به باور وی به همین دلیل عالمان علم الاجتماع تفسیری، طالب توصیفی پرمایه<sup>۴</sup> از رفتار انسان هستند؛ یعنی به دست دادن شرحی تفصیلی از هنجارها، ارزش‌ها، مجازها<sup>۵</sup>، مبانی فرهنگی، باورها و آداب دینی برای تبیین رفتار آدمی؛ بنابراین دایره عقلانیت باید بسیار گسترده‌تر باشد تا اصول ارزشی و

<sup>1</sup> Thomas Nagel

<sup>2</sup> Fairness

<sup>3</sup> Amartya Sen

<sup>4</sup> Thick

<sup>5</sup> Metaphors



اخلاقی را به نحوی از انحاء در مفهوم عقلانیت منظور شود. از نظر فیلسوفان مکتب انتقادی می‌توان با عقلانیت متکی بر مفاهیمی گفتگو و به مواجهه با عقلانیت ابزاری پرداخت. (هابرماس، ۱۳۸۴). غلبه‌ی چنین رهیافتی گذشته از بعد غیراخلاقی آن، تأثیرات منفی و نامناسی را نیز بر جای گذاشته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. از جمله غلبه‌ی این نوع عقلانیت در تعامل میان مجموعه دانشگاهیان، شکل‌گیری نوعی رابطه‌ی بهره‌کشی علمی است که برخی از آن به‌درستی با عنوان «کولبری علمی» یاد می‌کنند. اختصاص منافع حاصل از یک پژوهش به خود بدون صرف کمترین وقت و انرژی مصداق این نوع بهره‌کشی علمی است و موجبات نارضایتی و خاطر ناخوشایند برای کسانی خواهد شد که به اجبار و تحت شرایط خاصی مجبور به ذکر نام کسانی می‌شوند که نقشی در نگارش اثر نداشته‌اند. از دیگر آثار رواج این نوع تعاملات در محیط دانشگاهی، شکل‌گیری رقابت نابرابر در دانشگاه است. با توجه به دسترسی نابرابر به دانشجویان تحصیلات تکمیلی، مجلات و رساله‌ها شاهد وجود نوعی رقابت نابرابر میان اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه هستیم که باعث کسب مدارج و رتبه‌های علمی در برخی دانشکده‌ها و رشته‌ها توسط اساتید و عقب ماندن برخی دیگر از این قافله هستیم. غلبه و رواج این نوع عقلانیت آثار دیگری نیز دارد. از جمله عدم شکل‌گیری روح جمعی و همکاری گروهی در دانشگاه به‌ویژه در شرایطی که بسیاری از فعالیت‌های علمی همکاری و همفکری را طلب می‌کند. تکیه بر منافع فردی باعث نادیده گرفتن منافع دیگران و تصور آن به‌عنوان تنها معیار و سنج، باعث در حاشیه قرار گرفتن منافع جمعی و به تبع آن همکاری جمعی است. این مهم در رسالت دانشگاهیان به‌عنوان یک مجموعه‌ی مهم نیز تأثیرگذار است.

## منابع

۱. آبراهامز، جی. اچ (۱۳۶۳). مبانی و رشد جامعه‌شناسی. جلد دوم، تهران: چاپخش.
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی عقلانیت. قیسات، ۱ (۱).
۳. پارسانیا، حمید (۱۳۸۱). از عقل قدسی تا عقل ابزاری. علوم سیاسی، ۵ (۱۹).
۴. تفضلی، فریدون (۱۳۷۵). تاریخ عقاید اقتصادی. تهران: نی.
۵. جونز، و. ت (۱۳۶۲). خداوندان اندیشه سیاسی. جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶. رالز، جان (۱۳۸۳). عدالت به مثابه انصاف (ترجمه عرفان ثابتی). تهران: ققنوس.

۷. سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۴). نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۸. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). دانشگاه و آموزش عالی منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی. تهران: نی.
۹. قانعی راد، محمدمبین و همکاران (۱۳۹۲). تحول فرهنگی در علم: از علم دانشگاهی تا علم پسا دانشگاهی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۶ (۴).
۱۰. کریمی مله، علی (۱۳۷۷). عقل‌گرایی دینی و توسعه سیاسی. قبسات، ۷.
۱۱. لیتل، دانیل (۱۳۸۸). تبیین در علوم اجتماعی. چاپ پنجم، تهران: صراط.
۱۲. مارش دیوید و جری استوکر (۱۳۷۸). روش و نظریه در علوم سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). نظریه کنش ارتباطی (عقل و عقلانیت در جامعه). تهران، انتشارات روزنامه ایران.
۱۴. هادوی نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۲). انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. هیوود، اندرو (۱۳۸۹). سیاست. تهران: نی.
۱۶. یمنی، محمد و ثمری، عیسی (۱۳۸۹). تصویر دانشجویان از دانشگاه پیام نور و کارکردهای آن (مورد دانشگاه پیام نور مرکز تهران). فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۳ (۳).